

جلسه ۱۷۲

صورت مشروح

مجلس یوم سه شنبه پنجم خرداد ۱۳۰۴ مطابق سوم ذی قعدة سنه ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس يك - شنبه را آقای میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای میرزائی راجع بصورت مجلس است؟

میرزائی - خیر قبل از دستور عرضی دارم

نایب رئیس - آقای عراقی

(اجازه)

حاج اسماعیل عراقی - قبل از دستور

مرض دارم

نایب رئیس - آقای شوشتری

(اجازه)

شوشتری - قبل از دستور

نایب رئیس - آقای دامغانی

(اجازه)

دامغانی - بنده از وزارت معارف

سوالی داشتم

نایب رئیس - بعد بفرمائید راجع بصورت مجلس که نیست

آقای دکتر امیراعلم

(اجازه)

دکتر امیراعلم - قبل از دستور

مجلس عرض دارم

نایب رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی - بعد از تصویب صورت

مجلس عرضی دارم

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس آقایان اعتراضی ندارند

(گفته شد خیر)

وزیر پست و تلگراف - قرارداد

حمل و نقل از طهران بخانقین که ما بین

وزارت پست و تلگراف و مسیو کیتانه

نه منعقد شود تقدیم مجلس شورای ملی

می شود

کفیل وزارت معارف - دو فقره

لايه است یکی راجع بیایاریان

دو سازه

آقای سید محمد علی شوشتری -

بلند تر بفرمائید

کفیل وزارت معارف - کمان می

بکنم خیلی بلند بود

یکی دیگر هم راجع بمسیو گمار

معلم حقوقی است تقدیم مجلس شورای ملی

میشود

نایب رئیس - آقای فرمند

(اجازه)

فرمند - بنده راجع بقرار داد

کمپانی کیتانه تقاضای فوریت می-

کنم

نایب رئیس - برای رای

کافی نیست . ممکن است بعد رای

بگیریم .

حاج میرزا عبدالوهاب - در

فوریت مخالفی نیست رای نمیخواهد

نایب رئیس - آقای روحی

(اجازه)

روحی - بنده با فوریت این لایحه

مخالفم و عقیده دارم

نایب رئیس - حالا مطرح نیست

عرض کردم عده برای رای گرفتن کافی

نیست .

آقای بیات - راجع بهمین مطلب

ست .

مر ترضی قلیخان بیات بلی .

نایب رئیس - آقای میرزائی

(اجازه)

میرزائی - اگر چه کرار آدر پشت

همین ریون از طرف بعضی از آقایان

نمایند کان محترم راجع بمظالم و تعديبات

بعضی از مأمورین مالیه مذاکراتی شده

است

بهیچ وجه حسن اثری نبخشید

نظر بیاس که داشتم نمیخواستم چیزی

عرض بکنم ولی چکنم بقدری شکایت از

مشهد میرسد ناگزیرم ادای تکلیف کرده

و مظالم بعضی از مأمورین مالیه را بعرض

مجلس برسانم

بیچاره رهایا زارعین گندمی را که

با خون جگر عمل می آورند و محصولی

عایدشان میشود از راههای دور به پشت

خود میکشند و می آورند مالیات خود -

شانرا بانبار

مالیه تحویل میدهند .

پس از اینکه چندین روز از کاروزندگی

خودشان بازماند و این غله خودش را آورده

و چندین روز درب انبار مالیه رفت و ویلان و

سرگردان ماند و از کار خودش بی کار شد

تازه انبار مالیه می گوید این گندم و این

جو خوب نیست باید بروی گندم دیم تهیه کنی

بیاوری .

هر چه داد میزند که با این گندمی

است که از همان زمینی که من زراعت کرده

ام عمل آمده است و این نتیجه اوست که

هایدش شده است و آورده ام من ده فرسخ

یا نزده فرسخ بیست فرسخ راه آمده ام

نمی توانم برگردم .

میگویند خیر غیر ممکن است تا اینکه

باز این بی چاره می رود بمحل و گندم دیگر

تهیه می کند و می آورد باز همینطور گرفتار

میشود تا بالاخره ناچار میشود هر میزانی

که آن ها میگویند بدهند .

خروراری دهن و کسر با سم خاک و

این قبیل چیزها را قبول کند .

همچنین اداره تجدید هم در ولایات

خیلی مردم صدمه و فشار وارد می آورد

چنانچه در موقعتی که خود من مشاهده کردم

مأمورین تجدید در منازل مردم میبختند و اسباب زحمت و اذیت مردم را فراهم میآورند من جمله در يك منزلی رفته بودند که آنها هم به بنده شکایت کردند و بنده هم عین شکایت ایشان را باایات وقت نوشتم و ایشان هم فرستادند باداره مالیه جوابی که داده بودند این بود که بلی ایشان در منزل تریاک نداشتند .

ولی چون موقعیکه مأمور آنجا رفته اسباب تریاک داشته و شکسته محکوم است .

محکوم بشکستن اسباب تریاک است که چرا شکسته و نفرواسته است من بعد تریاک بکشند .

خواستم خاطر محترم آقایان نمایندگان را مستحضر بدارم که از طرف مجلس مقدس يك تذکره بدولت داده شود .

بنده اگر بخواهم بشرح مظالم بعضی از مأمورین مالیه را عرض کنم شاید باعث تصدیق باشد همینقدر استدعای کنم تذکره بدهند که در ولایات آنقدر اسباب زحمت و اذیت زارعین و رهایا و ملت بیچاره را فراهم نکنند .

يك قراری هم در ضمن بگذارند که زارعین که راهشان دور است از ده فرسخ بیست فرسخ جنسشانرا بشهر نیاورند و در همانجا تحویل بدهند .

نایب رئیس - آقای عراقی

(اجازه)

حاج آقا اسماعیل عراقی - چندی قبل راجع بتعدیاتی که از طرف اداره ارزاق نسبت بکسانی که باداره ارزاق جنس تحویل میدهند میشود خاطر آقایان نمایندگان را مطلع نمودم و فعلا این نانهائی را که آقایان در طهران ملاحظه میفرمایند این همان گندم های باکی است که با آن شدت از مردم تحویل میگیرند .

معلوم میشود (صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی) و حالاهم موقع تحویل گرفتن جنس است چه جنس دیوانی چه جنس خریداری .

میخواستم خاطر محترم آقایان نمایندگان را تذکر بدهم و استدعا بکنم تذکره بدولت داده شود باین نانی که مردم میدهند .

آقای سید یعقوب - اگر دولت فعلی نبود این نان هم امروز نبود .

عراقی - همان جنس را که مردم عراق تحویل میدهند همانقدر جنس که از آن ها میگیرند بآنها قبض بدهند و این چیزی را که بنده عرض میکنم و آقای آقا سید یعقوب عصبانی میشوند مربوط بدولت نیست هر اداره يك ترتیبی دارد دولت عبارت از هیئت وزراء است و هیئت وزراء نمیتوانند در سر تمام کار خودشان حاضر باشند و بهلوی قیاب بایستند جنس تحویل بگیرند .

نظر ما بدولت نیست . نظر باشخاص

است که جنس را تحویل میگیرند هر انبار که یکسال ازش میگذرد تقریباً دو بست و پنجاه خروار سیصد خروار تفاوت انبار پیدا میکنند .

ما می گوئیم این تفاوت را از رعیت بدبخت نگیرند و اگر صدمن جنس میگیرند صدمن قبض بدهند نه اینکه صدمن جنس بگیرند و چهل و پنج من قبض بدهند . يك قسه دری ملاحظه رعیت بدبخت را بکنند .

نایب رئیس - آقای شوشتری

(اجازه)

آقای سید محمد علی شوشتری - آقایان از اقصی بلاد مملکت صحبت میکنند در صورتی که بنده راجع بيك قضایای مرکزی میخواهم عریاضی بکنم .

جنوب شهر - جنوب طهران که حقیقتاً عوارض بلدی از آن قسمت داده میشود و هر گونه مالیات بسکنه جنوب شهر تحمیل میشود .

در جنوب شهر مردم رنجبر زحمت کش و مطیع منقاد از استفاده نظافت و حفظ الصحه و خط واکون و تراموای بکلی محروم هستند .

آقای دست غیب بيك سوالی از وزارت فوائد عامه کردند و سه چهار مرتبه هم تذکره دادند در مجلس .

آقای وزیر موافق نامه حاضر نشدند که به بینیم با اینکه بر طبق ماده اول امتیاز کمپانی تراموای ملزم است در جنوب شهر خط واکون بکشند که اگر خط واکون در جنوب شهر کشیده نشود قسمت جنوبی بکلی محروم میشود .

چون مردم جنوب شهر خانه هاشان دو بست تومان سیمه تومان و چهار صد تومان است قدرت ندارند بیایند در شمال شهر در این عمارات چند مرتبه و این آبار تان ها و این خیابان های وسیع که اشراف همه گونه از آن استفاده میکنند مسکن کنند .

بنده میخواستم از مجلس شورای ملی تقاضا کنم تذکره داده شود آقای وزیر فوائد عامه حاضر شود و علت و فلسفه ایتر که يك شرط از کنتراست کمپانی تراموای در طهران عمل می شود و بيك قسمت از سکه شهر از آن بی بهره اند بیان کنند چه چیز است .

کفیل وزارت معارف - بنده در این قسمت اطلاعاتی دارم عرض میکنم .

وزارت فوائد عامه در این مدت همیشه در نظر داشته است این راه را دائر کند و البته آقایان در نظر دارند که بکمر تبه هم این راه کشیده شده ولی بعد جمع کرده اند برای اینکه خودشان کین آنجا در زحمت بودند و کوچک هاتنگ بوده است .

وزارت فوائد عامه با بلدیها مذاکره

بنابر این مدعی باید ثابت کند که این شهود تصدیق هويت نداشته اند يعنى اثبات نفى بکنند .

باين معنى که بايد اثبات يك چيزى را بکنند که غير ممکنست پس اگر ما بخواهيم مقصودمان از اين ماده حاصل شود بمقيد بنده بين دو چيز بايد واقع شود :

يا بايستى در اين ماده ذکر شود که مأمور سجل احوال مکلف است تصديق نامه را که حکومت محل يا نظمیه ناگدخداده است در آرشو خود ضبط کند .

يا اینکه مأمور سجل احوال مجبور است قيد کند که چنين ورقه هويتى با وارائه شده است و بعد از تحقيقات خودش معرفت آن شهود را تصديق بکنند در اين صورت بايد در نظر داشت که اصلاً مسئول خود مأمور است .

در ساير ممالک دنيا هم مسئول خود مأمور است .

بايد خودش در زير هر ورقه تبتى مخصوصاً يا خط خود ذکر کند که شهود پيش من معروفند و من صحت عمل آنها را تصديق مى کنم اگر غير از اين باشد اسباب زحمت ميشود مأمور هر طور دلش ميخواهد ميکند و در آتیه متوسل باين خواهد شد که مطابق قانون آن روزى که ايشان آمدند ورقه هويت در دستشان بود .

زهيم مخبر کميسيون - همانطور که آقای دکتر آقاىان توضيح دادند مقصود از اين عبارت تصديق هويت شهود از طرف نظمیه يا مأمورين حکومت بشود اينست که استحکام عمل بيشر بشود و البته آن مأمور سجل احوال اين تصديقهارا در حکم سند خرج بايد با خودش داشته باشد و هيچ محتاج نيست اين مسأله در اينجا ذکر شود در اينجا نوشته شده است مأمور سجل احوال با شهادت دونفر که هويت آن ها از طرف نظمیه يا گدخدای محل تصديق شده باشد بمأمور سجل احوال اطلاع بدهد اين اشخاص بايد هويت خودشان را در دست داشته باشند .

اولا اين را عرض کنم پس از اينکه اين قانون گذشت تمام اشخاص داراي ورقه سجل احوال هستند البته آنکس که در بقلش باشد و بايد شهادت بدهد آن خودش ورقه هويتست .

ولى اين تا کيد را براى اين گذاشتند که مبدا آن ورقه سجل احوال را يك وقتى هوضى بياورند يا يك تقلىبى در کار باشد و ممکنست هم تصديق بياورند و هم باى دفترى را که شهادت در آن ثبت ميشود امضاء کنند و البته آن تصديقى که در دستشانست مثل سند خرجست و مأمور سجل احوال که در محليست ضبط مى کند و هيچ اشکالى باقى نماند .

نايب رئيس - آقای آقاميرزا شهاب (اجازه)

آقاميرزا شهاب موافقم
(بعضى گفتند - مذاکرات کافست)
نايب رئيس - همه براى رأى کافى

نيست .
کلزرونى - بنده پيش نهاد تنفس ميکنم .

(همه بين نمايندگان)
نايب رئيس (بعد از چند دقيقه تأمل) - با بودن مسائل مهمه در دستور حقيقه وقت گرانتهای مجلس شورای ملی معطل ماندن ما به تأسفست بنابر اين آقاىان تصويب ميکنند جلسه را ختم ميکنند

(در اين موقع دو ساعت قبل از ظهر مجلس ختم شد)

نايب رئيس مجلس شورای ملی
سيد محمد تدين

منشى م . شهاب
منشى دکتر احتشام طباطبائي

جلسه يكصد و هفتاد و سوم
صورت مشروح مجلس
پنجشنبه هفتم خرداد
۱۳۰۴ مطابق پنجم ذيقعد
سنه ۱۳۴۳

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر برپاست)
آقای آقا ميرزا حسين خان پيرنيا تشکيل گرديد

(صورت مجلس سه شنبه پنجم خرداد را آقای آقا ميرزا شهاب الدين قرائت نمودند)

رئيس - آقای ياسائى (اجازه)

ياسائى - بنده در دستور عرضى دارم .

رئيس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - بنده هم در دستور عرضى دارم .

رئيس - آقای دکتر امير خان اعلم .

دکتر امير خان اعلم - بنده هم قبل از دستور عرضى دارم .

رئيس - آقای حاجى حسن آقا .

حاجى حسن آقا - بنده هم قبل از دستور عرضى دارم .

رئيس - نسبت بصورت مجلس اعتراضى نيست ؟

بعضى از نمايندگان - خير

رئيس - آقای ياسائى .

ياسائى - بنده ميخواستم تقاضا کنم (بيش نهادى هم تقديم کرده ام) نظر با هميت لايحه انحصار قند و چاى و موقى که براى موجبات آن فراهم شده است امروز آن لايحه جزء دستور و در درجه اول واقع شود .

(پيش نهادشان بمضون ذيل قرائت شد)